

۱۰۰۰
۱
۲۴
نوسان ما

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

سرشناسه: حجتی، غزاله، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: اختلاف نظر دینی: بررسی معرفت‌شناختی / غزاله حجتی.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص: ۵/۱۴×۲۱ س.م.
شابک: 978-600-5334-85-2
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: تمثیه (فلسفه شناخت)
موضوع: (Theory of Knowledge) Justification
موضوع: دین - فلسفه
موضوع: Religion - Philosophy
موضوع: عقاید دینی
موضوع: Theology, Doctrinal
موضوع: اختلاف نظر (فلسفه)
موضوع: Disagreement (Philosophy)
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ الف ۳ ج ۲۱۲ BD
رده‌بندی دیویی: ۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۶۲۵۶۴



اختلاف نظر دینی
بررسی معرفت شناختی
غزاله حجتی



● قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران،
طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه
دفتر انتشارات: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴ ۶۲۴
دورنویس: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳ ۶۲۴
فروشگاه (کتابسرای طه): ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

ketabtaha.com

ketabtaha@gmail.com

telegram.me/tahabooks

instagram.com/ketabtaha

اختلاف نظر دینی

بررسی معرفت شناختی

غزاله حجتی

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۰۵-۲

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

کارگروه تولید مؤسسه فرهنگی طه

مهدی گنزاری / مدیر تولید

عاطفه رجایی / صفحه‌آرایی

معصومه کرم‌پور / اجرای بند

همه حقوق این اثر محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص تمام یا قسمتی از این کتاب به هر صورت (چاپ، گپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و به موجب «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان» پیگرد قانونی دارد.

تقدیم به بزرگ آموزگاران و طنم

محمدم بهمن بیگی

توران میرهادی

www.ketab.ir

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۹	فصل اول: اهمیت معرفتی اختلاف نظر
۳۰	۱. اختلاف نظر متعارف و اختلاف نظر معرفتی
۳۴	۲. تقسیم‌های اختلاف نظر
۳۸	۳. اقسام پاسخ‌ها به مسئله اختلاف نظر
۴۰	۴. همتایی، فروتری و برتری معرفتی
۵۰	۵. اختلاف نظر و توجیه باور
۵۹	۶. گواهی کارشناسان
۶۱	۷. اختلاف نظر و ناقض معرفتی
۶۶	۸. چالش نسبی‌گرایی
۷۵	فصل دوم: اختلاف نظر معرفتی
۷۵	۱. اختلاف نظر ایده‌آل
۷۶	۱-۱. همتایی معرفتی و اختلاف نظر ایده‌آل

- ۸۰..... ۲-۱. تقارن و عدم تقارن معرفتی
- ۸۵..... ۲. نامصاله‌گرایی
- ۸۶..... ۱-۲. استدلال‌های نامصاله‌گرایان و پاسخ‌های مصاله‌گرایان
- ۸۶..... ۱-۱-۲. شواهد مرتبه اول، شواهد مرتبه بالاتر و شواهد خصوصی
- ۹۲..... ۲-۱-۲. استدلال‌های نامصاله‌گرایان و پاسخ‌های مصاله‌گرایان
- ۹۲..... استدلال اول: اطمینان به خود
- ۹۹..... استدلال دوم: به نظر رسیدن امور
- ۱۰۳..... استدلال سوم: نظریه خطا
- ۱۰۸..... استدلال چهارم: تعیین ناقص شواهد
- ۱۱۲..... ۲-۲. استدلال‌های نامصاله‌گرایان در دیکتایی عقلانی و پاسخ‌های مصاله‌گرایان
- ۱۱۲..... اول: اختلاف نظر مقبول
- ۱۱۳..... دوم: ابهام
- ۱۱۵..... سوم: راه‌های عقلانی چندگانه
- ۱۱۷..... چهارم: اصل دیکتایی اصلی غیر فاعل محور
- ۱۲۰..... ۳. مصاله‌گرایی
- ۱۲۲..... ۱-۳. دیدگاه وزن دهی برابر و گرفتن حد وسط
- ۱۲۷..... ۴. بررسی و نقد مصاله‌گرایی
- ۱۲۷..... ۴-۱. از منظر اختلاف نظرهای روزمره
- ۱۲۷..... ۴-۱-۱. توجیه آسان
- ۱۳۱..... ۴-۱-۲. شکاکیت
- ۱۴۰..... ۴-۱-۳. خودشکن بودن
- ۱۴۴..... ۴-۲. از منظر اصل استقلال
- ۱۴۴..... ۴-۲-۱. چالش اصل استقلال
- ۱۵۱..... ۴-۲-۲. به سوی اصل استقلالی تعدیل شده
- ۱۶۱..... فصل سوم: باور دینی و چالش اختلاف نظر
- ۱۶۲..... ۱. اختلاف نظر دینی و تکثر ادیان
- ۱۶۴..... ۱-۱. تنوع دینی و الزام معرفتی
- ۱۷۴..... ۱-۲. تنوع دینی و باور موجه
- ۱۸۰..... ۱-۳. تنوع دینی و مدارای دینی

۱۸۲.....	۲. اهمیت اختلاف نظرهای دینی مرتبه اول و مرتبه دوم.....
۱۸۲.....	۱- ۲. اختلاف نظر ناقض مرتبه اول و مرتبه بالاتر.....
۱۸۶.....	۲- ۲. باور دینی و مسئله صلاحیت معرفتی داوری.....
۱۹۰.....	۲- ۳. اختلاف نظرهای دینی بنیادین در مقابل اختلاف نظرهای دینی سطحی.....
۱۹۴.....	۳. نایکتایی معرفتی در «باور دینی» و پاسخ های مصالحه گرایان.....
۲۰۰.....	۴. مصالحه گرایی دینی.....
۲۰۱.....	۴- ۱. راهبرد مصالحه گرایانه حداکثری.....
۲۰۴.....	۴- ۲. راهبرد مصالحه گرایی دینی تعدیل شده.....
۲۲۱.....	فصل چهارم: نتیجه.....
۲۲۷.....	منابع.....
۲۳۶.....	واژه نامه.....

پیشگفتار

متن پیش رو ساله دکتری من بوده است که آن را برای کسب درجه دکتری در رشته فلسفه دین نوشته‌ام. این ساله زیر نظر استادان محترم دکتر محمود مروارید و دکتر محسن زمانی، اعضای هیأت علمی گروه فلسفه تحلیلی در پژوهشگاه دانش‌های بنیادین (IPM)، نگاشته و از آن دفاع شده است.

سابقه طرح معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در زبان فارسی بسیار کوتاه است و تاکنون تحقیقی جدی و مبسوط نیز در زمینه معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر دینی به زبان فارسی تألیف یا ترجمه نشده است. در حالی که رجوع به منابع اصلی معرفت‌شناسی و معرفت‌شناسی باور دینی در یک دهه اخیر نشان می‌دهد اختلاف‌نظر دینی یکی از مسائل مهم مورد بحث بین معرفت‌شناسان و فیلسوفان دین است. به بیان دقیق‌تر، اگرچه اختلاف‌نظر معرفتی قدمتی به اندازه تاریخ تفکر فلسفی دارد، طرح مستقل آن در معرفت‌شناسی به یکی دو دهه اخیر مربوط می‌شود؛ بنابراین، این موضوعی قدیمی با صورت‌بندی جدید است. به دلیل بروز مسائل نظری و مشکلات عملی ناشی از اختلاف‌نظرهای دینی در دهه‌های اخیر، به نظر می‌رسد توجه به این موضوع رشد روزافزونی دارد و بسیاری از نشریات معتبر فلسفی و معرفت‌شناختی، در سال‌های اخیر، مقالاتی را در این موضوع منتشر کرده‌اند.

کمبود منابع به زبان فارسی و خالی بودن جای معرفت‌شناسی اختلاف نظر، به طور عام، و اختلاف نظر دینی، به طور خاص، در مباحث مربوط به معرفت‌شناسی و دین‌پژوهی در کشور ما ضرورت توجه به این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. از آنجا که موضوع رساله در زبان فارسی سابقه‌ای ندارد و در مکتوبات نیز موضوعی جدید محسوب می‌شود، من شرایط را برای انتشار رساله دکتری خود مغتنم دیدم تا متن آن در دسترس دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مندی قرار گیرد که در حوزه معرفت‌شناسی مطالعه و پژوهش می‌کنند. بر این باورم که این نوشته می‌تواند به دیگر پژوهشگران فارسی‌زبان یاری رساند تا بتوانند بررسی این چالش مهم معرفت‌شناختی را یک گام به جلو برند و در پژوهش‌های خود از مطالعه و نگارش مطالب مقدماتی کلی‌تری نیاز شوند. در انتشار این اثر هدفی جز این در نظر نبوده است.

همچنین، در این نوشته سعی شده است اکثر منابعی که تا تاریخ نگارش رساله در معرفت‌شناسی اختلاف نظر به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند، بررسی و شرح و گزارش و دسته‌بندی‌ای از دیدگاه‌ها و نقد آنها ارائه شود. به نظر می‌رسد این نوشته از این جهت نیز می‌تواند برای بسیاری از خوانندگانی که به منابع موجود دسترسی یا از آنها آگاهی کافی ندارند مفید و راهگشا باشد. اختلاف نظر دینی، یعنی موضوع این کتاب، از مصادیق مهم چالش معرفت‌شناسی اختلاف نظر است. تلاش کرده‌ام اولاً، صورت‌بندی درستی از این چالش معرفت‌شناختی ارائه شود و ثانیاً، راه‌حلی برای آن اندیشیده و صورت‌بندی شود. وجه نوآوری این اثر، در مقایسه با منابع موجود، شیوه طرح اختلاف نظر دینی، تشریح پیامدها و پاسخ‌ها است که برای آن ذکر شده است.

در نگارش این اثر بیش و پیش از هر چیز مرهون آقای دکتر محسن زمانی هستم که وقت بسیاری را صرف آموزش من کرد و با دقت و مسئولیت‌پذیری تمام چکیده‌هایی را که از منابع مختلف نوشتم خواند و اصلاح کرد. دکتر زمانی متن نهایی را نیز چند بار مطالعه و نکاتی را برای اصلاح آن گوشزد کرد. از آقای دکتر محمود مروارید صمیمانه متشکرم که با وجود مشغله بسیار، راهنمایی این رساله را بر عهده گرفت. قدردان ایشان هستم که متن را با دقت تمام مطالعه کردند و در

تک تک صفحات رساله مواردی را مشخص کردند تا بازنویسی، اصلاح یا تشریح شود. نگارنده، نه از سر شکسته نفسی که فی الواقع، خود را مدیون این دو استاد بزرگوار می‌داند. همه خطاها و کاستی‌های احتمالی این اثر از سر ضعف علمی و قلمی من و احتمالاً به این علت رخ داده‌اند که نتوانسته‌ام به درستی و کفایت از عهده اصلاح نکاتی که این دو استاد گوشزد کردند برآیم. امیدوارم این خطاهای احتمالی با گفت‌وگوهای بیشتر با مخاطبان و خوانندگان کتاب در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف شود و نتیجه آن اثری دقیق‌تر باشد.

طرح این پژوهش با پیشنهاد و کمک آقای دکتر بابک عباسی نوشته شد. از ایشان بابت حمایتی که کشیدند و نکاتی که در جهت بهتر شدن متن گفتند، تشکر می‌کنم. در پایان از دوست عزیز و گرامی‌ام در انتشارات کتاب طه، آقای دکتر سید علی رضا صالحی ساداتی بسیار سپاسگزارم. لطف و اعتماد او مایه دلگرمی است.

غزاله حجتی

دی ماه ۱۳۹۷

ghazaleh.hojjati@gmail.com

مقدمه

• برخی مسیحیان معتقدند که مسیح، به معنای واقعی کلمه، دوباره زنده شده است. برخی دیگر معتقدند چون نجات از طریق مسیح صورت می‌گیرد، آموزه‌هایی که درباره دوباره زنده شدن مسیح‌اند همگی استعاری یا به نوعی غیرحقیقی‌اند. مسیح بعد از این که از دنیا رفت، واقعاً با همان ماهیت زیستی بازنگشت. از طرف دیگر، خدا باوران غیرمسیحی، لاادریان و خدا ناپاوران معتقدند که مسیح، چه به صورت حقیقی و چه به شکل مجازی، هرگز دوباره زنده نشد.

• من و همسرم در مورد خرید آپارتمانی نزدیک به محدوده‌ای که در آن کار می‌کنیم با هم تبادل نظر می‌کنیم، من فکر می‌کنم باید آپارتمانی نزدیک به محدوده‌ای که هر دو در آن کار می‌کنیم بخریم و قیمت آپارتمان در آن محدوده بسیار گران است. همسرم برخلاف من فکر می‌کند مخالف خرید آپارتمان در آن محدوده است. ما درباره خوبی‌ها و بدی‌های این مسئله با هم بحث می‌کنیم. من، با در نظر گرفتن مشکلات موجود در خصوص رفت و آمدمان به محل کار و خانه، فکر می‌کنم کاملاً واضح است که باید نزدیک به جایی که هر روز به آنجا رفت و آمد می‌کنیم زندگی کنیم. اگرچه همسرم همه این مسائل را می‌داند و به مشکلات و سختی‌های موجود به خوبی واقف است، نظری مخالف با نظر من دارد.

- الف معتقد است که سقط جنین سه ماهه، در بیشتر موارد، از نظر اخلاقی پذیرفته نیست. او از این نظر آدم مطلعی است ولی می‌داند که جمع کثیری از افراد با او مخالف‌اند. خواهر الف به تازگی باردار شده و چون هنوز دانشجوست و شغلی پاره‌وقت دارد، نمی‌خواهد بچه‌دار شود. بنابراین به سقط جنین فکر می‌کند. او نظرش را با الف در میان می‌گذارد. اگر خواهر الف معتقد باشد که این تصمیم هیچ اشکالی ندارد، به‌ویژه برای او که در ماه‌های نخست بارداری است، الف به او چه خواهد گفت؟^۱

اختلاف نظر خدا داد شایعی است که می‌تواند در هر جایی و بر سر هر چیزی رخ دهد. می‌تواند در حوزه سیاست، دین، اخلاق، ورزش، فلسفه، تاریخ، علم، تجارت و حتی در زندگی روزمره، بر سر مسائل خرد و پیش پا افتاده به وجود آید. اگر به سه مثالی که در بالا آمده است توجه کنیم، متوجه می‌شویم که حیطه بروز اختلاف نظرها تا چه حد می‌تواند متنوع و گسترده باشد.

همان‌طور که در مثال سقط جنین نیز به خوبی مشهود است، هر اختلاف نظری با دو مسئله حقیقی مواجه است: «چگونه باید عمل کرد» و «چه باوری باید داشت». در این مثال الف با این چالش مواجه خواهد بود که (با فرض اینکه تعداد بی‌شماری از افراد بسیار عاقل با او درباره سقط جنین اختلاف نظر دارند) از کجا بداند نظرش درباره مسئله مورد مناقشه درست است یا درست نیست. صرف نظر از اینکه الف چه موضعی داشته باشد، او برای اینکه «چگونه عمل کند» و «چه باوری داشته باشد» با معضل بزرگی روبه‌روست. از این رو، به اختلاف نظر می‌توان از دو منظر عملی و نظری پرداخت. چنانچه جنبه‌های عملی اختلاف نظر محل توجه باشد، به ابعاد اخلاقی آن پرداخته می‌شود و اگر جنبه‌های نظری آن مورد بررسی قرار گیرد، بُعد معرفت‌شناختی اختلاف نظر محل بحث است. در این کتاب آنچه مسئله مورد بررسی ماست همین بُعد معرفت‌شناختی اختلاف نظر است و ابعاد عملی و جنبه‌های اخلاقی اختلاف نظر موضوع بحث نیستند و به همین دلیل از آنها می‌گذریم.

۱. مثال‌ها با تغییر از کتاب برایان فرنسیس (۲۰۱۴) گرفته شده‌اند.

اختلاف نظرها می‌توانند همه جا و بر سر همه مسائل رخ دهند: در عرصه عمومی و زندگی خصوصی ما خودشان را نشان دهند، در حوزه‌های جدی علمی یا در زمینه‌های پیش پا افتاده زندگی روزمره بروز کنند، بین دو نفر یا بین دو گروه از افراد رخ دهند و... اما پرسش مهم این است که این اختلاف نظرهای گسترده و متنوع از چه منظری می‌توانند مسئله یک پژوهش قرار گیرند:

فرض کنید شما مجموعه‌ای از شواهد را در اختیار دارید. پس از بررسی دقیق این شواهد به این نتیجه می‌رسید که آن شواهد مؤید گزاره P هستند (بنابراین، باور می‌کنید که P). سپس آگاه می‌شوید که شخص دیگری، که او را همتای معرفتی خود به شمار می‌آورید، با داشتن همان مجموعه شواهد، P را پذیرفته است و به آن باور دارد. آیا آگاهی از این اختلاف نظر (از نظر معرفتی)، بر توجیه باور شما به P تأثیری خواهد گذاشت؟ اگر آری، پس از آگاهی از چنین اختلاف نظری، واکنش معرفتی معقول در مورد P ، چه خواهد بود؟ تعیین واکنش معرفتی معقول به اختلاف نظر کانون بحث ما در این کتاب و، به طور کلی، در معرفت‌شناسی اختلاف نظر است، و هدف مباحث دیگر حول این مسئله اساسی مطرح می‌شوند. با این حال، باید در نظر داشت که فقط در مواقعی می‌توانیم از چالش معرفتی اختلاف نظر سخن بگوییم که بین دو همتای معرفتی اختلاف نظر به وجود آمده باشد. منظور از همتای معرفتی کسی است که وزن شواهدش با وزن شواهد من برابر است. اموری نظیر هوش، استعداد، تحصیلات، توانایی‌های شناختی، دانش پس‌زمینه و مجموع شواهد مجموعه‌ای فراهم می‌کند که در تعیین همتایی معرفتی مؤثرند. بنابراین، هم وزن بودن این امور نزد طرفین اختلاف نظر اهمیت بسیار دارد و اساساً فقط زمانی اختلاف نظری ارزش بررسی معرفت‌شناختی دارد که دو طرف آن دیگری را هم‌شان، هم‌تراز و همتای معرفتی محسوب کنند. اختلاف نظری که طرفین آن، از نظر معرفتی، همتا نباشند توجیه باور مورد اختلاف را با چالشی معرفتی مواجه نخواهند کرد. مثلاً، برخی مؤمنان خدا ناباوران را افرادی محروم از فیض الهی و بی‌بصیرت می‌دانند و خدا ناباوران نیز مؤمنان را افرادی

متوهم، خیال پرداز و دچار آرزواندیشی های باطل محسوب می کنند. اگر چنین تفاوت هایی بین دو طرف اختلاف نظر وجود داشته باشد، اختلاف نظر بین آنها اهمیت معرفتی نخواهد داشت و روی توجیه باور طرفین اثری نمی گذارد. اما اگر مؤمنان و خداناباوران برای یکدیگر شأن برابر قائل باشند (مثلاً از نظر تحصیلات، کثیت و میزان مطالعه، ارزش های اخلاقی، سلامت روانی و ...) بروز اختلاف نظر بین آنها ارزش معرفتی زیادی دارد و توجیه باور هر دو طرف را تحت تأثیر قرار می دهد. در این شرایط برخی بر این باورند که همچنان می توان به نحو معقولی باور قبلی خود را حفظ کرد و برخی دیگر معتقدند که طرفین دیگر نمی توانند به نحو موجهی همچنان بر باور قبلی خود استوار بمانند، صرفاً به این دلیل که کسانی مانند خود آنها هستند که بر اساس شواهد یکسان، دیدگاه مخالفی دارند. به این ترتیب این پرسش های مهم مطرح می شوند که «آیا پس از بروز اختلاف نظر با دیگرانی که همای معرفتی ما هستند، می توانیم به نحو معقول و موجهی دیدگاه خود را همچنان حفظ کنیم؟» «آیا بروز اختلاف نظر ها ناقضی برای توجیه های ما محسوب می شود؟» و «ویژگی های اختلاف نظر معقول چیست؟» و «چه هنگام می توان اختلاف نظر را معقول دانست؟».

اختلاف نظر در دو مرحله رخ می دهد. می توان این دو مرحله را از هم تفکیک کرد. ۱) مرحله ایزوله: در این مرحله فرد فقط با باور خودش به مواجهه است و چون باور او در این مرحله کاملاً بر مجموعه شواهدی مبتنی است که از آنها صدق P را نتیجه گرفته است، آن فرد در باور خود کاملاً موجه است. ۲) مرحله افشای کامل: در این مرحله دو طرف اختلاف نظر از دیدگاه طرف مقابل خود در مورد موضوعی یکسان آگاه و از شواهد یکدیگر مطلع می شوند و متوجه می شوند که با وجود یکسانی در شواهد، یکی از آنها به P و دیگری به P- باور دارد. پرسش اصلی معرفت شناسی اختلاف نظر، یعنی، امکان موجه بودن باورهای افراد در عین اختلاف نظر با دیگری، در این مرحله مطرح می شود، مرحله ای که در آن طرفین از باور و شواهد طرف مقابل آگاه می شوند.

پرسش اصلی این پژوهش (به بروز اختلاف نظر چه واکنشی باید نشان داد؟) پرسشی هنجاری^۱ است و نباید آن را به غلط پرسشی توصیفی^۲ دانست که فقط درصدد پرسش از واکنش‌های رفتاری افراد مختلف در مقابل اختلاف نظر است. در اینجا ما با باید‌های هنجاری سروکار داریم، یعنی با واکنش معرفتی معقولی که فرد پس از مواجهه با اختلاف نظر باید داشته باشد. به همین دلیل است که از آن با عنوان واکنش معرفتی معقول یا رویکرد اعتقادی^۳ معقول سخن می‌گوییم. با این تعاریف می‌خواهیم معرفتی بودن آن را نشان دهیم و بتوانیم بر وجه هنجاری پرسش تاکید کنیم (Matheson, 2015: 2). اگر بخواهیم موضوع این کتاب را به نحو بسیار برنی‌تری محدود کنیم، باید بگوییم که محتوای بخش نخست از این پژوهش بررسی این پرسش اصلی و پاسخ‌هایی است که می‌توان به آن داد. در فصول میانی کتاب همین پرسش خاص‌تر می‌شود و بر باور دینی و اختلاف نظرهایی که پیرامون آن مطرح می‌شوند تمرکز می‌کنیم.

برای کسب فهم صحیح از پرسش اختلاف نظر باید سه جنبه اصلی این پرسش را از هم متمایز کنیم و به هر یک از این سه جنبه به طور مستقل پردازیم: (۱) معقول بودن: همان‌طور که اشاره کردیم، در این کتاب، منظور از معقول بودن معقولیت معرفتی است. گاهی ممکن است به خطا تصور شود که منظور از معقول بودن معقولیت عملی است، یعنی اینکه در هنگام مواجهه با اختلاف نظر انجام چه کاری از نظر اخلاقی یا از سر مصلحت مجاز و معقول است. این فهم از معقولیت در بحث ما جایی ندارد. در بحث اختلاف نظر، هنگامی که از معقول بودن یک واکنش به اختلاف نظر حرف می‌زنیم، معقولیت معرفتی را در نظر داریم. به عبارت دیگر، مسئله این است که کدام واکنش به اختلاف نظر از نظر معرفتی مجاز است و توجیه آن با هیچ ناقضی روبه‌رو نیست.

(۲) اشاره کردیم که اختلاف نظر انواع مختلفی دارد: برخی بسیار ساده و پیش پا افتاده و برخی دیگر بسیار بغرنج‌اند. در اختلاف نظرهای پیچیده تعیین موضع معرفتی طرفین (برتری، فروتری، همتایی)، و به تبع آن، یافتن

1. normative question

2. descriptive question

3. doxastic attitude

واکنش معرفتی درست به اختلاف نظر دشوارتر است. آنچه تعیین‌کننده نوع اختلاف نظر است سطوح مختلف فهم طرفین از یکدیگر است. هرگاه طرفین بر اساس عوامل اختلاف نظر فهمی عمیق از هم داشته باشند و مثلاً آگاه باشند که هوش طرف مقابل از آنها بیشتر است اما تمرکز و زمانی که طرف مقابل برای موضوع مورد مناقشه صرف کرده کمتر از او بوده است، یا اینکه شواهدی که دیگری دارد بهتر از شواهد من است اما من توانایی‌های معرفتی بیشتری دارم، اختلاف نظر به صورتی جدی‌تر و حیاتی‌تر بین طرفین بروز خواهد کرد. هر قدر هم برابری‌های طرفین در عوامل اختلاف نظر بیشتر باشد، سنجیدن‌های اختلاف نظر بیشتر می‌شود زیرا تعیین برتری یکی از طرفین بر دیگری دشوارتر از پیش خواهد شد.

۳) سومین نکته کلیدی در خصوص اختلاف نظر خود باور است، زیرا در اختلاف نظر معرفتی موضوع مورد مناقشه باور است. منظور از باور چیست؟ بسته به اینکه ما چه فهمی از باور داشته باشیم، یافتن پاسخ مناسب به اختلاف نظر تفاوت خواهد کرد. از یک نظر، دو تلقی اصلی از باور وجود دارد: باور به مثابه داوری از هر نظر سنجیده^۱ و باور به مثابه گرایشی غیرمبتنی بر گواهی^۲. وقتی در اختلاف نظر مراد از باور معنای اول آن باشد، یافتن راه حل برای آن، به دلایلی که پیش از این ذکر کردیم، دشوار خواهد بود. اما اگر مراد از باور معنای دوم آن باشد، اختلاف نظر موجود بین افراد جدی نخواهد بود، زیرا هرکس در مورد هر موضوعی نظری شخصی برای خودش خواهد داشت. باور در معنای دوم چیزی شبیه به حس یا سلیقه شخصی افراد در مورد موضوعات و مسائل مختلف است که می‌تواند در افراد مختلف طیفی متنوع از نظرات را بسازد.

توضیح بیشتر اینکه، در باور به معنای داوری از هر نظر سنجیده، باور صورت گزاره‌ای را دارد که با جملات خبری کاملی بیان می‌شود و وقتی شما آن گزاره را صادق بدانید، به چیزی باور دارید و وقتی آن را کاذب بدانید، به نقیض چیزی

باور دارید. این معنا از باور همان معنایی است که در معرفت‌شناسی مورد نظر است و در بحث اختلاف نظر نیز همین معنا محل بحث است. در این معنا، برای باور باید شواهدی داشت و چنانچه شواهدی برای آن نداشته باشیم یا ناقصی برای آن وجود داشته باشد، توجیه آن دچار خدشه می‌شود و حفظ کردنش دیگر معقول نیست. اما در باور به مفهوم گرایش غیرمبتنی بر گواهی، باور صرفاً یک اظهار نظر شخصی است: نوعی گرایش شناختی بی‌درنگ که بر شاهد یا گواهی‌ای مبتنی نیست و فرد، پس از اینکه نظرش در مورد چیزی پرسیده می‌شود، آن را اظهار می‌کند. باور، مطابق این معنا، صورتی از واکنش بلادرنگ به شواهد محدود ناقص است. چنین باوری را حتی در علم هم می‌توان دید. مثلاً، بر اساس پیشرفت‌های اخترشناسی سال‌هاست که ثابت شده است زمین به دور خورشید می‌چرخد. اما همان‌طور که ممکن است شخصی پیدا شود که بی‌هیچ دلیلی بگوید «به نظرم، این خورشید است که به دور زمین می‌چرخد». در این مثال، نظر این فرد نامعقول است، چون اظهار نظرش در این موضوع بر هیچ شاهد و دلیلی استوار نیست. در اینجا او در مورد این موضوع فی‌البداهه نظری داده است و ما فقط به تسامح نظر او را باور او معرفی می‌کنیم (Frances, 2014: 83-85).

توضیح دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد فهمی است که از باور وجود دارد. در بین معرفت‌شناسان، از همان معنای اولی که برای باور ذکر شد (داوری از هر نظر سنجیده)، دو تلقی مختلف وجود دارد: تلقی اول که سابقه و گستره بسیار بیشتری نسبت به تلقی دوم دارد تلقی همه یا هیچ^۱ است. در این فهم از باور، باور به صورت امری غیرمدرج تعبیر می‌شود؛ یعنی یا یک گزاره باور داریم یا آن را باور نداریم و به نقیض آن باور داریم یا اینکه اساساً نمی‌توانیم در مورد آن گزاره داوری‌ای داشته باشیم. بر این اساس، می‌توان سه رویکرد نظر به باور همه یا هیچ داشت: باور داشتن، باور نداشتن و تعلیق داوری. به بیان دیگر، فرد در مقابل یک گزاره سه گزینه در مقابل خود دارد:

۱) آن گزاره را باور داشته باشد؛ یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره صادق است.

1. all-or-nothing

(۲) نقیض آن را باور داشته باشد؛ یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره کاذب است.
 (۳) از داوری امتناع کند؛ یعنی نتیجه بگیرد که آن گزاره را نه می‌تواند صادق بشمارد و نه کاذب.

در مقابل فهم همه یا هیچ، فهم دیگری از باور وجود دارد که مدرج^۱ است و بر درجات باور تمرکز دارد. در اینجا، بر اساس فهم مدرج از باور، می‌توان بی‌نهایت تلقی ناظر به باور داشت که طیفی از تابع‌های احتمال بین ۰ تا ۱ را دربر می‌گیرند (عدد ۰ بیان‌کننده حداکثر اطمینان به کاذب بودن گزاره و عدد ۱ بیان‌کننده حداکثر اطمینان به صادق بودن آن است و درجات بین ۰ تا ۱ بیانگر درجات ضعیف‌تری از میزان اطمینان هستند). در این رویکرد، به دلیل اینکه می‌توان درجات متنوعی از باور داشت و هر درجه از باور با درجه‌ای دیگر تعارض دارد، قابلیت بروز اختلاف نظر بسیار بیشتر از فهم همه یا هیچ است. مثلاً بین دو نفر که یکی به میزان ۰/۷ و دیگری به میزان ۰/۹ به گزاره «خدا وجود دارد» اعتبار می‌دهد، تعارض و اختلاف نظر وجود دارد، هر چند که هر دو به پذیرش «خدا وجود دارد» متمایل‌اند. به عبارت دیگر، اگر برای باور داشتن، به معنای همه یا هیچ آن، کافی باشد که بیش از ۰/۶ به گزاره اطمینان داشته باشیم، در این صورت، با اینکه هر دو این افراد روی هم رفته به خدا باور دارند، دچار اختلاف نظرند. اینکه ما چنین اختلاف نظری را واقعاً اختلاف نظر حقیقی در باور محسوب کنیم یا اینکه فقط آن را اختلاف نظر در درجات اطمینان به باور بدانیم بستگی به فهمی دارد که از باور داریم. اگر فهم همه یا هیچ داشته باشیم، این اختلاف نظر اختلافی حقیقی در باور محسوب نمی‌شود، زیرا دو نفر دو رویکرد اعتقادی متفاوت به گزاره واحد مورد نظر ندارند. اما اگر فهم مدرج داشته باشیم، باید گفت که اختلافی وجود دارد، یعنی دو طرف مورد بحث دو رویکرد اعتقادی متفاوت به گزاره‌ای واحد دارند (Christensen, 2007: 187).

هیچ یک از دو رویکرد گفته شده به گرایش‌های اعتقادی کاملاً قانع‌کننده نیستند. به نظر می‌رسد دسته‌بندی سه‌وجهی باور، باور به نقیض، تعلیق باور

(مثلاً در Feldman, 2009: 414-415) برای ارائه یک تلقی ناظر به باور غنی و کیفی ناموفق است زیرا دقت در موضوع نشان می‌دهد که رویکردهای اعتقادی ما بیش از این سه دسته هستند و حصر تلقی‌های اعتقادی در سه حالت باعث می‌شود که بسیاری از نوسان‌های باوری را نتوانیم توضیح دهیم.^۱ در مقابل، در فهم مدرج از باور، نوعی دقت کمی به باور تحمیل می‌شود، در حالی که تمایز بین باورها بیشتر کیفی است تا کمی. به همین دلیل، در بحث اختلاف نظر، که در آن با ظرافت‌های معرفت‌شناختی بسیار بیشتر از باورها و تعارض‌ها و تمایزهای آنها بحث می‌شود، برخی از معرفت‌شناسان نظیر کریستنسن کوشیده‌اند ترکیبی از تلقی‌های کمی و کیفی از باور به دست دهند (مثلاً در Christensen, 2007: 187-189). برخی از فیلسوفان دیگری هم که در زمینه اختلاف نظر بحث کرده‌اند، وقتی از باور سخن می‌گویند، ترکیبی از فهم کمی و کیفی از آن را در نظر می‌گیرند (مثلاً در Matheson, 2015: 8-6).

در مورد پرسش اصلی اختلاف نظر دو دیدگاه اصلی شکل گرفته است: «مصالحه‌گرایی»^۲ و «نا مصالحه‌گرایی»^۳. این دو رویکردهای اصلی به مسئله اختلاف نظر هستند که در این رساله به نحو مفصلی به معرفی و بررسی آنها خواهیم پرداخت. مصالحه‌گرایان برای اختلاف نظر ارزش معرفتی قائل‌اند و آن را ناقض توجیه باور قبلی محسوب می‌کنند. رویکرد مصالحه‌گرایی در مواجهه با اختلاف نظر معقول دست کشیدن از باور قبلی خود است. مصالحه‌گرایان معتقدند که یا باید از باور خود دست کشید و باور دیگری را پذیرفت (در موارد اختلاف با کسی که برتری معرفتی دارد)، یا باید طرفین اختلاف در جهت اطمینان‌شان

۱. یکی از انتقاداتی که به تلقی همه یا هیچ گرفته می‌شود احتمال بروز شکاکیت است که به دلیل بروز اختلاف نظر بین دو همتا و تعلیق داوری رخ می‌دهد. کریستنسن برای رفع این اشکال، تلقی مدرج از باور را مطرح می‌کند و می‌گوید در هنگام بروز اختلاف نظر بین دو همتا، معرفتی و در غیاب شاهد محکم به نفع باور یکی از طرفین اختلاف، دو طرف از نظر معرفتی موظف‌اند که درجه اطمینان‌شان را به باورشان کم کنند. در این شرایط، چون طرفین باورشان را رها نمی‌کنند و صرفاً درجه اطمینان‌شان را تا حد ممکن کم می‌کنند، خطر شکاکیت برطرف می‌شود (Christensen, 2007: 187-189).

را به باور تا آنجا پایین بیاورند که موضع‌شان به هم نزدیک شود و اختلاف نظر از بین برود (در مواردی که تعیین وضعیت طرفین معرفتی دشوار است)، یا باید داوری را تا یافتن شواهد بیشتر و بهتر که تعیین‌کننده باشند تعلیق کنند. فلدمن،^۱ کریستنسن،^۲ متیسن^۳ و فرنسیس^۴ از جمله افرادی هستند که به این موضع معتقدند و در این کتاب به دیدگاه آنها خواهیم پرداخت. اما از نظر نامصال‌ح‌گرایان، بروز اختلاف نظر، اگرچه شاهی علیه باور اولیه ماست، نمی‌تواند ترجیه باور ما را در همه زمینه‌ها تضعیف کند. پیترون اینوگن،^۵ آلون پلانتینگا^۶ و تامس کلی^۷ از متفکران اصلی متمایل به نامصال‌ح‌گرایی‌اند. در فصل دوم کتاب، تمامی استدلال‌های هر دو طرف را گزارش و نقد و بررسی می‌کنیم و در فصل سوم، با محوریت باور دینی، به بررسی همین استدلال‌ها می‌پردازیم.

باور دینی یکی از حساس‌ترین حوزه‌هایی است که در آن بروز اختلاف نظر بسیار شایع است و البته نتایج معرفتی زیادی به بار می‌آورد. برخی معتقدند بروز اختلاف نظر می‌تواند همچون نقض توجیه باورهای دینی را تضعیف کند یا حتی از بین ببرد. از سوی دیگر، بسیاری معتقدند که حتی با وجود بروز اختلاف نظر، مؤمنان می‌توانند به نحو موجه و معقولی همچنان باورهای دینی خود را حفظ کنند و از آنها دست نکشند. مسائل و نظیر توجیه، نقض توجیه، اختلاف نظر معقول و ظاهری، درجات معرفتی اختلاف نظر، همتایی معرفتی، برتری معرفتی و داشتن صلاحیت معرفتی از جمله موضوعات محوری‌ای هستند که نه تنها در بحث کلی درباره اختلاف نظر اهمیت دارند بلکه برای یافتن تبیینی درست از اختلاف نظر دینی و راه‌های ممکن برای برطرف کردن آن نیز مهم‌اند.

اختلاف نظرهای دینی به طور خاص با اختلاف نظرهای در حوزه‌های دیگر اندیشه، نظیر علم، تفاوت دارد. آنچه این نوع اختلاف نظرهای از اختلاف نظرهای علمی متمایز و اهمیت و حساسیت بروز اختلاف نظر در این حوزه را بیشتر

1. Richard Feldman

2. David Christensen

3. Jonathan Matheson

4. Bryan Frances

5. Peter Van Inwagen

6. Alvin Plantinga

7. Thomas Kelly

می‌کند جنس متفاوت شواهد دینی است. شواهد در علم عموماً شواهدی عینی و قابل دسترسی همگان هستند. دانشمندان، در منازعه‌هایی که بر سر موضوعات مختلف با آنها مواجه‌اند، شواهدشان را بر یکدیگر عرضه می‌کنند و فرضشان این است که وزن و صحت این شواهد تعیین‌کننده نتیجه اختلاف‌ها خواهد بود. اما در حوزه باور دینی وضع به کلی متفاوت است، زیرا جنس شواهد دینی کاملاً با جنس شواهد علمی فرق دارد. در مورد دین، ما گاه با شواهدی از جنس تجربه مواجه‌ایم و گاه نیز شواهد مؤمنان برای مدعیاتشان برگرفته از متون مقدس دینی‌شان است، در حالی که وثاقت این متون خود نیز می‌تواند موضوع اختلاف نظر باشد. در بین ادیان مختلف شواهد می‌توانند با هم متفاوت باشند، و غالباً چنین است. شواهد مسلمانان با شواهد مسیحیان متفاوت است و حتی در بین مسلمانان نیز شواهد اهل سنت ممکن است از شواهد شیعیان متمایز باشد. این تفاوت‌ها را اختلاف‌ها، خصوصاً ارزش و وزن شواهد دینی نکته‌ای است که اختلاف‌نظرهای دینی را به شکلی مستقل برجسته می‌کند و اهمیت آن را به خوبی نشان می‌دهد. ما در فصل سوم به بررسی این پرسش اساسی پرداخته‌ایم که آیا، پس از بروز اختلاف نظر مؤمنان می‌تواند همچنان باورهای دینی‌شان را به نحو موجهی حفظ کنند یا نه. به عبارت دیگر، اختلاف نظر معقول می‌تواند شاهد مرتبه بالاتری علیه توجیه باورهای دینی باشد یا نه. در فصل سوم تلاش می‌کنیم مروری بر مسئله سنتی تکثر ادیان داشته باشیم. این مسئله سنتی بر بررسی دعوی حقانیت هر یک از ادیان در مواجهه با ادعاهای متنافر رقیب ناظر است. نشان خواهیم داد که این مسئله در قالب معرفت‌شناسی اختلاف نظر به صورتی جدید مطرح می‌شود. مطابق مصالحه‌گرایی، اختلاف نظر دینی توجیه باور دینی را تضعیف می‌کند و این امر وظیفه تعلیق یا طرد باورهای دینی فرد متدین را بر عهده او می‌گذارد. اما بر اساس نامصالحه‌گرایی، فرد متدین می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط معرفتی خاصی، باور خود را به نحو موجه حفظ کند.

سیر بحث در این کتاب از این قرار است: برای بررسی موضوع اختلاف نظر دینی ابتدا لازم است که مباحث عام معرفت‌شناسی اختلاف نظر مطرح شود و آراء و دیدگاه‌های مختلف معرفی شوند تا بعد بتوان به مسئله خاص اختلاف نظر

دینی پرداخت. به همین دلیل، در این کتاب نخست به تشریح مفاهیم، معرفی اصطلاحات اصلی بحث، معرفی جغرافیای بحث و تدقیق بیشتر موضوع می‌پردازیم و فصل اول را به بیان مقدمات مهمی اختصاص می‌دهیم که برای پیش بردن مباحث مطرح در کتاب به آنها نیاز داریم.

در فصل دوم با استفاده از مفاهیم عام معرفت‌شناسی اختلاف نظر به بررسی بیشتر موضوع می‌پردازیم: مسئله را روشن‌تر می‌سازیم؛ جنبه‌های چالش برانگیز اختلاف نظر را از نظر معرفتی نشان می‌دهیم؛ گرایش‌ها و رویکردهای اعتقادی اصلی به مسئله اختلاف نظر را معرفی می‌کنیم؛ و استدلال‌های مصلاحه‌گرایان و نامصلاحه‌گرایان را بررسی می‌کنیم. چنان‌که گفته شد، «مصلاحه‌گرایی» و «نامصلاحه‌گرایی» دو رویکرد اصلی به مسئله اختلاف نظر هستند که در این کتاب به نحو مفصلی به معرفی و بررسی هر دو رویکرد می‌پردازیم. مصلاحه‌گرایان برای اختلاف نظر ارزش معرفتی خاص قائل‌اند و آن را ناقض توجیه باور قبلی محسوب می‌کنند. رویکرد مصلاحه‌گرایی در مواجهه با اختلاف نظر معقول دست کشیدن از باور قبلی است. مطابق این رویکرد، دو طرف اختلاف یا باید از باور خود دست بکشند و باور دیگری را بپذیرند، یا باید درجه‌الامینان به باورشان را تا آنجا پایین بیاورند که موضع‌شان به هم نزدیک شود و اختلاف نظر از بین برود، یا باید داوری را تا یافتن شواهد تعیین‌کننده بیشتر و بهتر تعلیق کنند. همان‌طور که گفته شد، فلدمن، کریستنسن، متیسن و فرنسیس از جمله افرادی هستند که چنین موضعی دارند و در این پژوهش به دفعات به بیان و بررسی دیدگاه آنها پرداخته‌ایم. اما از نظر نامصلاحه‌گرایی، بروز اختلاف نظر، اگرچه شاهدی علیه باور اولیه ماست، نمی‌تواند توجیه باور ما را در همه زمینه‌ها تضعیف کند. مطابق مصلاحه‌گرایی، اختلاف نظر دینی توجیه باور دینی را تضعیف می‌کند و این امر وظیفه تعلیق یا طرد باورهای دینی را بر عهده فرد متدین می‌گذارد. اما، بر اساس نامصلاحه‌گرایی، فرد متدین می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط معرفتی خاصی، باور خود را به نحوی موجه حفظ کند. در انتهای فصل دوم به بررسی انتقادهایی می‌پردازیم که از منظر نامصلاحه‌گرایی و نیز از منظر خود مصلاحه‌گرایان به مصلاحه‌گرایی وارد شده است. تلاش می‌کنیم پاسخ مصلاحه‌گرایان را نیز به این انتقادهای باوریم و نشان دهیم که مصلاحه‌گرایی،

با وجود همه این انتقادات، همچنان دیدگاهی قابل دفاع و موجه است. در فصل سوم کتاب، که نقطه اوج آن است، مباحث حول مسئله اختلاف نظر دینی می‌گردد. در ابتدای این فصل به پیشینه‌ای از بحث تنوع ادیان در فلسفه دین اشاره می‌کنیم تا بتوانیم پیوند مباحث معرفت‌شناختی جدید را با مباحث قدیمی‌تر برقرار کنیم. سپس بحث خود را در معرفت‌شناسی اختلاف نظر در باور دینی پیش می‌بریم و با بیان مسائلی نظیر صلاحیت‌های معرفتی دینی یا حسن شواهد دینی وارد عمق اختلاف‌های موجود بین پیروان ادیان می‌شویم. در پایان این فصل، با ذکر روایتی تعدیل‌شده از دیدگاه مصالحه‌گرایی، که شرح آن در پایان فصل دوم می‌آید، به دفاع از رویکرد اعتقادی مصالحه‌گرایی در قبال اختلاف نظرهای دینی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه، با اتخاذ این رویکرد، مؤمنان می‌توانند پس از مواجهه با اختلاف نظر، ضمن اینکه به درستی برای اختلاف نظر ارزش معنوی نقض‌کنندگی قائل‌اند، همچنان بر باور مؤمنانه خود استوار بمانند و در این کار موجه نیز باشند. در فصل نتیجه‌گیری نیز نشان می‌دهیم که رأی مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده در زمینه اختلاف نظرهای دینی پاسخی قابل قبول است و راهی برای گذر از بحالش موجود می‌گشاید.